

درباره سخنرانی مسعود پزشکیان در مجمع عمومی سازمان ملل

باز تکرار مواضع همیشگی



رضا رئیس

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

از ۴۶سال پیش تا امروز از شهیدرجایی تا مسعود پزشکیان، تعداد زیادی از رؤسای جمهوری ایران از صحن و سرای سازمان ملل بهره جسته و پشت آن تریبون خاص و جهانشمولی به تبیین مواضع و تشریح سیاست‌های ایران در پرسماندترین تریبون بین‌المللی پرداخته‌اند؛ تریبونی که بی‌واسطه و بی‌هیچ فیلتری می‌تواند بازتاب صدای سیاست خارجی ایران در سطح نظام بین‌المللی باشد، در چارچوب و اتمسفری که ایران همواره در طول همه این سال‌ها با مصادیق و محدودیت‌های پرشماری در همه سطوح آن روبه‌رو بوده و شاید تنها مفر و ممر یگانه‌ای که می‌توانستیم فراتر از تهدیدات همیشگی، صدای مظلومیت و حرف حق خود را به گوش جهانیان برسانیم، همین تکت‌تریبون ساده اما پرمخاطب بوده است. پس از پیروزی انقلاب تا پیش از محمود احمدی‌نژاد، سفرهای رؤسای جمهوری به نیویورک، بسیار محدود و مودری با هدفگذاری خاص انجام پذیرفت و هر بار نیز در برهه خود پرواکتش و مورد توجه در ابعاد بین‌المللی شد؛ اما محمود احمدی‌نژاد این سفرهای محدود و هدفمند را تبدیل به یک رویه معمول و متداول کرده و آن را به‌عنوان یک وظیفه رئیس جمهوری جا انداخت؛ اتفاقی که در بلندمدت آن کارکرد خاص و مورد انتظار از سفر رؤسای جمهوری به سازمان ملل را تا حدود زیادی لوٹ کرد و کمرنگ ساخت. اگر شهیدرجایی صدای انقلاب تازه را از سازمان ملل به گوش جهانیان رساند و آیت‌الله خامنه‌ای در بحبوحه فشارهای مضاعف دو بلوک شرق و غرب، صدای مظلومیت ملتی تحت جنگ را در جهان طنین‌انداز کرد و سیدمحمد خاتمی با طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها در برابر نظریه هانتینگتون، صدای صلح‌طلبی ایران و جهان اسلام را در فضای به‌شدت دو قطبی پسایزده سیتامبر به جهان مخابره کرد، پس از این نقاط عطف، سفر رؤسای جمهوری به سازمان ملل، هیچ‌گاه نتوانست آن کارکرد جهانشمولی را داشته باشد. البته با این استثنا که سفر اول روحانی در مقام رئیس جمهوری، در پیامدش بستر و زمینه‌پیکیری روند دیپلماتیک در پرونده هسته‌ای راه‌بمدت‌تلاش‌های ظرفیف‌مهیاو فراهم کرد و منجر به نتیجه‌بخشی در این زمینه شد.

حال که پس از ۲۴سال از بازگشایی مهمترین ابرچالش سیاست خارجی ایران، یعنی پرونده هسته‌ای کشورمان در سطح نظام بین‌الملل می‌گذرد و این روزها با غروب برجرام و در فضای اجرای قریبالوقوع «اسنپ‌بک» به یک نقطه عطف بی‌پارگشت در این عرصه رسیده‌ایم، بسیاری امید داشتند که سفر مسعود پزشکیان به نیویورک و سخنرانی او در مجمع عمومی سازمان ملل، بتواند در این فضای نامساعد و تخصصی، طلیعه‌ای تازه باشد و با خرق عادت نسبت به سخنرانی‌های کلیشه‌ای و متداول چند سال اخیر، جانی تازه و نسیمی متفاوت بر پیکر تحریف و رنجور دیپلماسی بدمد و روزنه‌ای از امید و دریچه‌ای از تغییر را بگشاید. مسعود پزشکیان البته مسطلتر از اولین سخنرانی خود با چیش آراستمر واژگان و به‌کارگیری الفاظ پختهتر سخن گفت، با ارائه تصاویر شهدای جنگ‌تحمیلی ۱۲روزه، گوشه‌هایی از جنایت رژیم اسرائیل علیه مردم

ایران را از این تریبون به گوش جهانیان رساند و ضمن سخنگویی که طیفی در داخل آن را مقتدرانه و باصلابت خواندند، از صلح‌طلبی مردم ایران و عدم قصد جمهوری اسلامی ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای گفت؛ سخنانی که اگر پس‌زمینه‌آن را حذف کنیم، در رسته یک سخنرانی استاندارد و قابل قبول داخلی و یا حتی یک سخنرانی جالب‌توجه در یک جلسه و دیدار بین‌المللی قابل توجه و تأمل باشد؛ اما سخنرانی از تریبون مجمع عمومی سازمان ملل که هر یک سال یک بار فرصت آن دست می‌دهد و می‌تواند بی‌واسطه و عریان صدای نماینده ایران را به گوش جهانیان برساند، قاعدتاً عرصه‌و بستری فراتر از این اظهارات کلیشه‌ای و همیشگی را می‌طلبد. از طرف دیگر، برهه زمانی فعلی نیز از حساسیت و اهمیت بسزایی برخوردار است و پیشبرد سیاست خارجی در راستای منافع ملی اقتضا می‌کرد که به شکل دیگرگونه، مؤثر و فعالی با ابتکارات تازه مواضع ایران در مواجهه با طرف‌های خارجی تبیین و تشریح شود و زمینه‌ای برای گره‌گشایی در عرصه سیاست خارجی و تحولات حول و حوش پرونده هسته‌ای گشوده شود. تکرار موضعی که طی سالیان متمادی توسط مقامات مختلف در سطوح متفاوت، بارها و بارها تکرار شده است، چه‌دردی را دوامی کند؟ آیا اینکه گفته‌شود ایران به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نیست و به سمت آن نخواهد رفت، توانسته در طول این بیست سال، تأثیری در طرف‌های خارجی گذاشته و مانع تحركات ضدایرانی آنان شود و حتی توانسته از جنگ‌افروزی دشمنان ایران، جلوگیری به عمل آورد؟ یا با هزاران هزار راهپیمایی و میتینگ و محکومیت‌های بین‌المللی توانسته جلوی نسل‌کشی رژیم صهیونیستی را بگیرد و مانع آنان شود؟ آیا مردم دنیا از جنایات بی‌حدوحصر این رژیم اطلاع ندارند که طرح آن از تریبون مجمع و در سخنرانی رئیس جمهوری بتواند منجر به نتیجه‌ای متفاوت شود؟ اگر خطایی، صوت این سخنرانی را بشنود و نداند که از چه تریبونی عنوان شده است، می‌تواند آن را از سخنرانی‌های معمول و متعارف در تریبون داخلی تفکیک و تمیز دهد؟ و به زبان ساده شاخصه متفاوت کننده و متمایز این سخنرانی از این تریبون خاص و در این موقعیت حساس چیست؟ آیا تحلیلگری را می‌توان یافت که معتقد باشد این سخنرانی می‌تواند بستر و زمینه متفاوتی در روند و سیر تحولات چه مثبت و چه منفی ایجاد کرده و تغییری ولو اندک ایجاد کند؟ از همه مهمتر باید پرسید، لزوم این سفر رئیس جمهوری به نیویورک چه بوده است؟ وقتی قرار بود طبق یک روند متداول و کلیشه‌ای، رئیس جمهوری عازم سفر به نیویورک شود، بسیاری از کم‌کیف همراهان مسعود پزشکیان در این سفر پرسیدند، اما آیا کسی از نزدیکان و همراهان وی راجع به اصل سفر پرسید و مطرح کرد که با چه هدفگذاری مشخصی این سفر انجام می‌شود؟ هر چه هست به نظر نمی‌رسد این سخنرانی در بُعد سیاست خارجی حامل پیامی خاص و یا تغییر راهبرد و استراتژی، بود، در عرصه داخلی هم البته سفر و سخنرانی رئیس جمهوری وقت، بازخورد و واکنش‌های متفاوت و متناقضی در دو طیف منتقدان و حامیان دارد اما شاید برای اولین بار باشد که طیف منتقد رئیس جمهوری به استقبال و تشویق این سخنرانی و به تمجید از پزشکیان پرداخت؛ در حالی که طیف حامیان داخلی او ترجیح داد با سکوت از کنار این سخنرانی گذر کند؛ سخنانی که می‌توانست پیام‌آور چشم‌اندازی مثبت باشد؛ اما حداقل در داخل و در طیف حامیان رئیس جمهوری شاهد چنین استنباطی نبودیم.

ارزیابی کارشناسان از شرایط و گزینه‌های ایران پس از اجرای اسنپ‌بک

چین و روسیه می‌ایستند؟



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

بامرگ رسمی توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ موسوم به برجرام، ایران بار دیگر تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفت. قطعنامه‌های تحریمی که طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ در شورای امنیت علیه ایران صادر شده و به موجب قطعنامه ۲۲۳۱ ضمیمه برجرام کنار رفته بود، بازگشت و کشور مجدد ذیل فصل هفتم منشور ملل قرار گرفت؛ فصلی که مربوط به موارد تهدید علیه صلح و امنیت بین‌الملل است. همانطور که راینی‌های تیم دیپلماتیک ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد نتوانست جلوی این روند را بگیرد، قطعنامه پیشنهادی روسیه و چین برای تمدید ۲۲۳۱ نیز همانطور که پیش‌بینی می‌شد رای نیابرد و در نهایت، ایران به وضعیت حقوقی -سیاسی پیش از برجرام و در جهاتی وخیم‌تر از آن شرایط بازگشت. در حال حاضر بحث‌های مختلفی وجود دارد که این قطعنامه‌ها کارکرد قبلی را دارند یا با توجه به تغییر شرایط در نظام بین‌الملل، ممکن است آثار گذشته را نداشته باشند. با توجه به اینکه تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده علیه ایران بسیار سنگین‌تر از این قطعنامه‌هاست و آثار اقتصادی آن گسترده‌تر است اما یک نگاه دیگر نیز به این وضعیت وجود دارد و آن نیز این است که تحریم‌های شورای امنیت شاید آثار اقتصادی مانند تحریم‌های ایالات متحده را نداشته باشد اما با توجه به مشروعیت بین‌المللی و بناشدن آن بر اساس منشور ملل متحد، تأثیرات حقوقی و سیاسی برای ایران به دنبال دارد. هرچند که طرف مقابل نشان داد برای اقدام منتظر مشروعیت حقوقی نمی‌ماند. در حال حاضر سوال بزرگ این است که آیا روسیه و چین به عنوان دو عضو دائم شورای امنیت، به‌رغم بازگشت قطعنامه‌های تحریمی ایران، همچنان ایستادگی می‌کنند یا رفتارشان از این به بعد تفاوت خواهد داشت؟

آخرین تلاش‌ها در شورای امنیت

جمعه‌شب به وقت تهران و عصر به وقت نیویورک، جلسه‌ای برای رای‌گیری درباره پیش‌نویس قطعنامه پیشنهادی روسیه و چین برگزار شد. این پیش‌نویس با ۴ رای موافق روسیه، چین، الجزایر و پاکستان، ۹ رای مخالف آمریکا، انگلیس، فرانسه، سیرالئون، اسلونی، دانمارک، یونان، پاناما، سومالی و همچنین دو رای ممتنع گویان و کره جنوبی مواجه شد. صحبت‌های نماینده روسیه در این نشست خطاب به نماینده فرانسه مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. او پس از انتقاد نماینده فرانسه از عراقی که او نیز در جلسه حضور داشت، گفت: «ایران به دنبال این بود که مشکلات را حل کند اما برادر بزرگ‌تر شما یعنی آمریکا به شما اجازه نمی‌دهد تصمیم بگیرد. شما مثل اینکه قوانین بین‌المللی و شورای امنیت را یادتان رفته است، فراموش نکنید شما اصلاً هیچ استقلالی از خودتان ندارید.»

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در این نشست، در شورای امنیت سخنرانی کرد و پس از آن نیز یک کنفرانس خبری داشت که محورهای آن‌ها مشابه بود. عراقچی گفت: «در سال ۲۰۱۸،

ایالات متحده از توافق خارج شد و قطعنامه ۲۲۳۱ را نقض کرد؛ بدون مبنای حقوقی. بدون هیچ توجیهی! ایران به مدت یک سال کاملاً پایبند باقی ماند. تنها پس از آنکه سه کشور اروپایی به وعده‌های خود عمل نکردند، ایران اقدامات جبرانی مشروع و تدریجی اتخاذ کرد. بحران امروز نتیجه مستقیم خروج ایالات متحده و بی‌عملی اروپا است. ایالات متحده به دیپلماسی خیانت کرد. سه کشور اروپایی آن را به خاک سپردند. سال‌هاست که ایالات متحده و سه کشور اروپایی برنامه صلح‌آمیز ایران را تحریف کرده‌اند. آنان ادعاهای دروغین رژیم اسرائیل را تکرار کردند، در حالی که این رژیم تنها دارنده زرادخانه هسته‌ای در منطقه، خارج از ان‌پی‌تی است. این استاندارد دوگانه آشکار و زننده است.»

او ادامه داد: «با وجود تروها، تحریم‌ها و بمباران تأسیسات تحت نظارت آژانس، ایران نه برجرام، نه ان‌پی‌تی و نه تعهدات پادمانی خود را نقض نکرده است. هنگامی که دولت پیشین ایالات متحده خواستار گفت‌وگو شد، ایران با خسن نیت پاسخ داد. پنج دور گفت‌وگو برگزار شد. در آستانه دور ششم، رژیم اسرائیل با پشتیبانی ایالات متحده، به تأسیسات هسته‌ای در ایران حمله کرد و دانشمندان ما، از جمله زنان و کودکان را به قتل رساند. این اقدام، تروریسم دولتی بود. هرگز از سوی سه کشور اروپایی محکوم نشد. به‌جای دیپلماسی، سه کشور اروپایی به دنبال پس‌گشت رفتند. ایران، در مقابل، در ۹ سپتامبر در قاهره یادداشت تفاهمی با آژانس امضا کرد. این اقدام از سوی آژانس و جامعه بین‌المللی مورد استقبال قرار گرفت. اما در نیویورک، تمام پیشنهادهای سازنده ایران نادیده گرفته شد.»

روایت پزشکيان از راي‌زني عراقي و ويتکاف

دیروز همچنین برشی از مصاحبه **مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان** با شبکه ان‌بی‌سی در مورد راینی‌ها در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل مورد توجه رسانه‌های داخلی قرار گرفت. پزشکیان در بخشی از این گفت‌وگو، در پاسخ به سوال مجری مبنی بر این که «آیا هیچ ارتباطی میان ایران و آمریکا در طول این مجمع عمومی وجود نداشته است؟» گفت: «وزیر امور خارجه ما به صورت تلفنی با آقای ویتکاف ارتباط داشته است و ارتباطاتی که به صورت واسطه‌ای از طریق فرانسه وجود داشت.»

تحریم‌ها علیه ایران غیر قانونی است

سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه که شب گذشته در مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی می‌کرد، در بخشی از صحبت‌های خود به موضوع ایران اشاره کرد و گفت: «پیشنهاد دادیم که اسنپ‌بک عقب بیفتد اما ما شاهد این هستیم غربی‌ها به دنبال دیپلماسی نیستند. ما تحریم‌ها علیه ایران را غیرقانونی می‌دانیم.»

تصمیم خطرناک

نیاز به دوبار فکر کردن درباره خروج از ان‌پی‌تی

موانعی در برابر خروج آسان از معاهده است. در این رابطه، برای اولین بار ایده‌هایی در سند کنفرانس بازنگری ان‌پی‌تی در ۱۹۹۵ مطرح شد و از جمله از سخت‌تر کردن کار ناقضان موافقتنامه پادمان برای استفاده از ماده ۱۰ با هدف فرار از پاسخگویی در قبال عدم پایبندی قبلی و... سخن رفت، اما اجماعی در مورد آن حاصل نشد. پس از این بست‌های مکرر در کنفرانس‌های بازنگری، نهایتاً در کنفرانس ۲۰۱۰ اجماعی حاصل و در سندنهایی منعکس شده‌به این‌مضمون که «یک کشور بعد از خروج از ان‌پی‌تی باید مطابق حقوق بین‌الملل پاسخگویی تخلفات خود قبل از خروج باشد.»

مواضع بلوک غرب در این مورد همیشه بسیار سخت‌گیرانه بوده و از جمله خواستار سخت کردن خروج از ان‌پی‌تی، بررسی اتوماتیک خروج هر کشور در شورای امنیت و لزوم محدود کردن حق خروج کشورهای ناقض پادمان است. در نقطه مقابل، بلوک عدم تعهد با بخش عمده مواضع غرب مخالف است. چین و روسیه مواضعی میانه دارند. آنها همیشه با تفسیر مجدد و بازنویسی ماده ۱۰ مخالفت کرده و برخلاف مواضع بلوک غرب معتقدند که هر خروجی از ان‌پی‌تی نباید به‌صورت اتوماتیک تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود. روسیه در موافقت با متن سند ۲۰۱۰، با اصل «تداوم الزامات پادمانی» بعد از خروج موافق است. موضع چین نیز تقریباً مشابه موضع روسیه است.

تقابل بین این سه بلوک در جریان خروج کره شمالی از ان‌پی‌تی در ۲۰۰۳ بروز بیرونی یافت. درحالی که غرب با استناد به پرونده باز کره شمالی در آژانس و قرار داشتن آن در دستور کار شورای امنیت، خواستار نامعتبر دانستن و محکوم کردن خروج و اعمال تحریم‌هایی علیه کره شمالی بود، چین و روسیه با توجه به مواضع عمومی‌شان، شرایط منطقه و رابطه خاص با کره شمالی از ۲۰۰۳ تا نخستین آزمایش هسته‌ای کره در ۲۰۰۶ مانع اقدامات غرب شدند. در آن سه سال، حداکثر کاری که شورا نتوانست انجام دهد، صدور چند بیانیه بی‌اثر بود. از ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۲، چین و روسیه در شورای امنیت با غرب علیه کره شمالی همکاری کردند که حاصل آن تحریم‌هایی علیه کره شمالی بود. نکته مهم دیگر این است که خروج از ان‌پی‌تی به همراه خروج از موافقتنامه

هم احساس عمیق مشترکی میان برخی بخش‌های رسمی سیاسی با اسرائیل و بابراندازان در ماجرای پایان یافتن برجرام با اجرای اسنپ‌بک را شاهدیم. این رفتار معادل خنجر زدن از پشت به قلب ملت است. علت اصلی آن نیز اتحاد ناتوانی برای کلنگی کردن ایران است. این سیاست را در حوزه‌های دیگر از جمله اقتصاد، آموزش، بهداشت و درمان، آب، انرژی و فرهنگ هم می‌توانیم ببینیم. چهل کرانه ندارد. ذهنیتی که روز اجرائی شدن اسنپ‌بک را، روز ملی قطع کامل امید از آمریکا و غرب و آغازی برای گرایش به شرق می‌داند فقط به فکر بقای خود به هر قیمتی است. ایران و مردم در آن جایگاهی ندارند. اکنون روشن شده که ریشه مسائل ایران در داخل است و نه در خارج یا شورای امنیت و تعامل با کشورهای غربی.

حل مشکلات منطقه خبر داده است. کشورهای عرب بخصوص مصر، اردن، عربستان و امارات که ادامه جنگ در نوار غزه آنها را به دردرسر بزرگی انداخته است، با عملیات نشدن توسط طرح می‌توانند نفس راحتی بکشند. طرح ۲۱ ماده‌ای به آنان این امکان را می‌دهد که آن را با خیالی راحت به افکار عمومی مردم خود بفروشد؛ هرچند که تشکیل کشور فلسطینی مورد نظر آنها به آینده‌ای نامشخص موکول شده است و چه‌بسا اصلا رنگ واقعیت هم به خود نبیند؛ در هر صورت، با عملیاتی شدن طرح ۲۱ ماده‌ای، کشورهایی چون عربستان و قطر و اندونزی و پاکستان روند عادی شدن روابطشان با اسرائیل را آغاز خواهند کرد. این بهایی است که ترامپ در ازای عقب‌نشینی خود از رویو بازسازی نوار غزه، مصرانه از آنان طلب می‌کند. گام موازی این عادی‌سازی، تشدید فشارهای مشترک همه‌آنان علیه جمهوری اسلامی و گروه‌های همسوی آن در منطقه بخصوص حزب‌الله برای همسو شدن با نظم جدید در حال ظهور از هر طریق ممکن است.

هنوز از واکنش رسمی حماس به این طرح گزارشی منتشر نشده است، اما خبرها حکایت از فشار شدید کشورهای عرب از جمله قطر بر رهبران این سازمان دارد تا با طرح مذکور موافقت کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد حماس جز پذیرش طرح راه دیگری پیش روند نداشته باشد، چرا که در صورت نشان دادن سرسختی، رهبران آن، دیگر بعید است جایی در قطر با ترکیه داشته باشند. اقدام مشابهی ظاهراً قرار است از سوی ترامپ علیه تائیانیه‌وز صورت گیرد تا او مجبور به پذیرش طرح شود. تائیانیه‌وز نیز چارهای جز نشان دادن همراهی خود با طرح ۲۱ ماده‌ای ندارد؛ هرچند که به قیمت فروپاشی ائتلاف تحت رهبری او تمام شود. در این میان طرح ۲۱ ماده‌ای ظاهراً خشنودی کامل بسیاری از کشورهای عرب و مسلمان را به همراه دارد. اندونزی به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان آمادگی خود را برای حضور نظامیانش در نهاد مسئول تأمین امنیت در نوار غزه اعلام کرده و رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه نیز از همکاری خود با ترامپ برای